



Judicial Mechanism of Human Rights in Europe, Supremacy is with Sovereignty or Human Rights

Seyed Fazlollah Mousavi
<https://orcid.org/0000-0002-2249-5943>

Professor, International Law, University
of Tehran, Tehran, Iran

Hamdi Reza Oraee*
<https://orcid.org/0000-0002-8345-5793>

Ph.D Student, International Law,
University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Human rights is an important component of international law today. Dealing with and acting against the fundamental human rights breaches of states as one of the actors in international law is a task that has not yet been achieved in the global arena. However, regional judicial mechanisms have been able to partially meet this demand. The European continent has managed to develop an advanced judicial structure to combat human rights abuses within its borders. However, sovereignty, in its traditional sense, which does not accept any interference within its borders, may create conflicts in the way of dealing with human rights violation. In the article the question: Is the focus of the regional judicial mechanism in Europe is on sovereignty or human rights? has been answered. To this end, the important cases before the European Court of Human Rights, as well as the content of the founding documents and the manner in-which the judicial system operates, were examined, and it was concluded that: The focus of the regional judicial mechanism in Europe, as the pioneer of the use of regional legal instruments on human rights issues, is more on human rights than sovereignty.

Keywords: European Human Rights, Sovereignty, Judicial Mechanism, The European Court of Human Rights.

* Corresponding Author: hamidrezaorae@gmail.com

How to Cite: Mousavi, S., Oraee, H, (2021), Judicial Mechanism of Human Rights in Europe, Supremacy is with Sovereignty or Human Rights, *Public Law Research*, 23(72), 9-37, doi: 10.22054/qjpl.2021.54375.2468

سازوکار قضایی حقوق بشر در اروپا، تفوق با حاکمیت یا حقوق بشر

سید فضل‌اله موسوی

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-2249-5943>

حمیدرضا اروعی*

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران، پردیس

البرز، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-8345-5793>

چکیده

حقوق بشر از مولفه‌های مهم حقوق بین‌الملل در عصر حاضر است. رسیدگی و برخورد با اقدامات خلاف حقوق بنیادین بشری دولت‌ها، بعنوان یکی از بازیگران حقوق بین‌الملل، وظیفه‌ای است که در حوزه جهانی هنوز به نتیجه نرسیده است. با این حال سازکارهای قضایی منطقه‌ای تا حدی توانسته است به این درخواست جامه عمل بپوشاند. قاره اروپا موفق شده است ساختار قضایی پیشرفته‌ای برای مقابله با نقض حقوق بشر دولت‌ها در محدوده خود طراحی کند. با این حال حاکمیت در مفهوم سنتی خود که هرگونه دخالت در چارچوب مرزهای خود را نمی‌پذیرد، می‌تواند چالشی در مقابل برخورد با نقض آن حقوق ایجاد کند. در این مقاله به این پرسش پاسخ داده شد که تمرکز سازکار قضایی منطقه‌ای در قاره اروپا بیشتر بر حاکمیت است یا حقوق بشر؟ برای نیل به این منظور، پرونده‌های مهم رسیدگی شده در نهاد قضایی حقوق بشری اروپا و همچنین محتوای اسناد تاسیس و مشخص کننده نحوه فعالیت این نهاد قضایی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه بدست آمد که «سازکار قضایی منطقه‌ای در قاره اروپا، به عنوان پیشرو در عرصه نهادهای قضایی منطقه‌ای حقوق بشر، بر حقوق بشر تاکید بیشتری دارد».

واژگان کلیدی: حقوق بشر، اروپا، حاکمیت، دیوان اروپایی حقوق بشر، سازکار قضایی.

مقدمه

در نظام کنونی حقوقی با توجه به فرایند رژیم‌سازی‌هایی که در جریان است، مفاهیم نوظهوری در حقوق بین‌الملل بروز کرده‌اند که با مفاهیم سنتی حقوق بین‌الملل تضاد دارند. حقوق بشر و حاکمیت در مفهوم سنتی، دو مفهوم دارای تضاد در حقوق بین‌الملل هستند. در این میان عده‌ای هستند که به حاکمیت مطلق و سنتی اعتقاد دارند. تفکر هابزی معتقد است که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند زمامدار را محدود کند، زیرا زمامدار قدرت کامل و مطلق است و همه چیز در دست اوست و هیچ کس را بر او اعتراضی نیست. حاکمیت، به طور سنتی مترادف بود با قدرت نامحدود و مطلق در یک صلاحیت که توسط دولت اعمال می‌شد.^۱ اما حقوق بشر که حامی کرامت و ارزش‌های انسانی است و در مقدمه اکثر اسناد بین‌المللی منجمله منشور ملل متحد آمده است، هدفش انتفاع انسان‌هاست، در حقیقت حقوق بین‌الملل باید در اصل حقوق بشری باشد. آنه پیتر معتقد است که بشریت در تقابل با حاکمیت بر آن برتری یافته و جایگاه خود را به عنوان هنجار بنیادین حقوق بین‌الملل تثبیت کرده است تا آنجا که حتی معنای خود مفهوم حاکمیت را هم باید در پرتو مفهوم و تلقی از بشریت روشن کرد.^۲ شیمن می‌گوید حاکمیت که دکتربنیادی برای نظریات و اعمال سیاسی است در اتحادیه اروپا مرده است^۳ یا به گفته واجر، اروپا یک ابرحاکمیت برای خود درست کرده و همه دولت‌های این حوزه را درون خود قرار داده است.^۴

حفاظت از حقوق بنیادین ابناء بشر نیازمند وضع قواعد و سازکارهای قدرتمندی است که بتواند بر حاکمیت‌ها بعنوان موضوع‌های اصلی حقوق بین‌الملل اثر بگذارد. نهادها و

1. Timothy Zick, "Are the States Sovereign?", Washington University Law Quarterly, Vol. 83, (2005), at 231, Available at: <https://scholarship.law.wm.edu/facpubs/275>.

2. Anne Peters, "Humanity as the A and Ω of Sovereignty", European Journal of International Law, Vol 20, (2009), at 513, Available at: <http://www.ejil.org/pdfs/20/3/1852.pdf>.

3. Konrad Schiemann, "Europe and the Loss of Sovereignty", The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 56, (2007), at 488, Available at: <https://doi.org/10.1093/iclq/lei179>.

4. George Mukundi Wachira, "Sovereignty and the United States of Africa: Insights from the EU", ISS, Vol.1, (2007), P.1, Available at: <https://journals.co.za/content/ispaper/2007/144/EJC48803>.

ساختارهای قضایی چه در حوزه جهانی و چه در حوزه منطقه‌ای بدین منظور ایجاد شده‌اند تا بتوانند در مواقع لزوم رعایت حقوق بشر را تضمین نمایند. می‌توان تلاش‌های حقوق بشری اروپا را اولین تلاش‌های منسجم حمایت از حقوق بنیادین بشر دانست. خلق سازکارها و اصلاح شیوه‌های رسیدگی به آن و الزام حاکمیت‌ها بعنوان بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل در جهان امروز، ثمره تلاش‌های اروپاییان البته در کشورهای خودشان است. بررسی رویه قضایی آنها که در ادبیات‌سازی و ملزم نمودن اعضا نقش اصلی را ایفا می‌کند تاثیر زیادی در فهم رابطه بین حاکمیت و حقوق بشر و تاثیر هر یک از آنها بر یکدیگر دارد. هر معاهده یا تعهدی که یک دولت به آن تن می‌دهد در زمان نقض عهد، توسط مرجع قضایی باید مورد تفسیر و قضاوت قرار گیرد و این اهمیت سازکار قضایی را بیش از پیش نشان می‌دهد. پرسش اصلی این است که تمرکز سازکار قضایی منطقه‌ای در قاره اروپا بیشتر بر حاکمیت است یا حقوق بشر؟

در ابتدای این مقاله به بررسی پرونده‌ها و موضوعات مهم مطرح شده در دیوان که توسط شورای اروپا بعنوان پرونده‌های حیاتی و دارای اهمیت فراوان معرفی گردیده است، پرداخته شده و در نهایت ویژگی‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شامل صلاحیت‌ها، فرایندها و ... بعنوان نقاط تاثیرگذار در عملکرد دیوان مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱. پرونده‌ها و موضوعات مهم

تارنمای شورای اروپا در گزارشی مهم‌ترین و تاثیرگذارترین آرای این دیوان، با توجه به موضوع و حوزه نقض، طی سالیان متمادی را فهرست کرده است. با توجه به تعداد بالای آرای موجود در آرشیو این دیوان، به این آرا که بر اساس نظر شورای اروپا طبقه‌بندی شده است، برای تحلیل و بررسی بسنده می‌شود.

۱-۱. حق حیات

نظام قضایی اروپا معتقد است بدون رعایت حق حیات نمی‌توان به سایر حق‌ها دست یافت. دیوان، تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی را در نقض حقوق بشر تعریف شده توسط خود نمی‌پذیرد و کشورها نمی‌توانند به تعالیم مذهبی و فرهنگی خود در مقابل اتهامات

حقوق بشری استناد کنند. در حقیقت دیوان با انسانی کردن قواعد، دخالت هر چیز در آن را رد می‌کند.^۱

۱-۱-۱. شکایت اوپوز از ترکیه

در این پرونده که بعنوان اولین پرونده مربوط به خشونت داخلی مطرح شد؛ دیوان، نظام قضایی ترکیه را در قبال خشونت داخلی و همچنین رفتار تبعیض آمیز علیه زنان و اعطای مصونیت به متجاوز محکوم کرد. در این پرونده یک زن ترک تبار و مادرش توسط شوهر سابقش بارها تهدید به مرگ شده و چندین مرتبه توسط وی مجروح شده بودند، لکن دادگاه از پذیرش دعوی او بعنوان یک موضوع جنایی سرباز می‌زد و هر بار شوهر سابق وی را با مجازات‌های کوچک تنبیه کرد که خود موجب جری شدن فرد می‌شده است. دولت ترکیه وقوع تبعیض جنسیتی را رد کرد، چرا که درگیری دو طرفه بوده است و جرم مرتکب شده در هیچ یک از قوانین کیفری و خانواده وجود نداشته است. با توجه به عدم بررسی مناسب و عادلانه موضوع در دادگاه داخلی، دیوان اروپا بررسی این موضوع را پذیرفت و دولت ترکیه را به پرداخت ۳۶۵۰۰ یورو در حق خواهان محکوم کرد.^۲

در این پرونده پاسخگویی کامل دولت ترکیه و تاکید بر عدم تبعیض جنسیتی قابل توجه است.^۳ لکن دیوان بر خلاف این توضیحات، در پرونده‌ای که کاملاً خانوادگی به نظر می‌رسیده و تابع قوانین داخلی ترکیه می‌باشد علیه نظام قضایی ترکیه رای داده است. حمایت از حقوق بشر حتی در چارچوب خانواده و درون خانه‌های کشورهای مستقل با حاکمیت قطعی جالب به نظر می‌رسد.

۱-۱-۲. شکایت ایسایوا علیه روسیه

در شکایتی دیگر مفقود شدن مرد روس در زمان عملیات نظامی ارتش روسیه در چچن موجب گردید دیوان تشخیص دهد که ماده ۲ کنوانسیون، مبتنی بر الزام دولت‌ها در حفاظت از حق حیات افراد نقض شده است. در این پرونده یک زن روس در سال ۲۰۰۱

1. Mathieu Bertrand, *The Right to Life in European Constitutional and International Case-law* (Strasbourg: Council of Europe, 2006) at 11.

2. *Opuz Versus Turkey*, ECHR, (9 June 2009), Para. 211-214.

3. Daniela Simona Tatu, *Violence against Women: With an Overview of the European Court of Human Rights' Case-law* (Milan: Key Editore, 2019) at 80.

بر اساس ماده ۳۴ کنوانسیون، موضوع را به دیوان ارجاع داد. وی معتقد بود که همسرش از ترس نیروهای ارتشی روسیه در چچن ناپدید شده است. بنابراین مواد ۲، ۳، ۵، ۶ و ۱۳ کنوانسیون نقض شده است. در سال ۲۰۰۶ دیوان موضوع را قابل استماع دانست. دفاعیات و اظهارات طرفین به صورت مکتوب دریافت گردید. ارتش روسیه در چچن در عملیاتی به خانه پدر فرد مفقود شده که در آنجا برای دیدار با پدرش حضور داشته حمله ور شده و تعدادی از ساکنان خانه را دستگیر می‌کند. آقای *ایسایو* از دست سربازان فرار کرده و مفقود شده است. پیگیری‌های همسر او برای یافتنش با عدم همکاری مقامات روسی مواجه می‌شود تا اینکه به او اعلام می‌شود که همسرش از آوریل ۲۰۰۱ مفقود شده است. تلاش وی جهت طرح شکایت در دادگاه نظامی بی‌سرانجام می‌ماند. در نهایت دیوان، دولت روسیه را علی‌رغم اینکه آن دولت اعلام کرده راهکارهای حمایت از حقوق بشر در سازکارهای داخلی قضایی این کشور وجود داشته است، به علت عدم ایجاد دسترسی مناسب برای خواهان، مقصر قلمداد می‌کند.^۱ یکی دیگر از دلایل محکومیت روسیه، ناتوانی در ارائه اسناد لازم برای روشن کردن وضعیت به دیوان بوده است.^۲

در این پرونده فارغ از همه جزئیات می‌توان به الزام دولت‌ها به در دسترس قرار دادن و ایجاد امکان مناسب برای افراد قربانی جهت مراجعه به مراجع قضایی و سایر سازکارهای ترمیمی اشاره کرد. در حقیقت، دولت‌ها علاوه بر اینکه ملزم به ایجاد سازکارهای حقوق بشری هستند، باید آن را در دسترس عموم نیز قرار دهند، موضوعی که دولت روسیه را محکوم کرد همین مورد آخر بود. دیوان حقوق بشر اروپا برای حیات، ارزش بالایی قرار داده است و آن را به طور موسع تعریف کرده است. دولت‌ها نه تنها موظف به حفاظت از مردم در مقابل نقض این حق هستند بلکه باید ابزار خلق شده برای جبران را در دسترس همه قرار دهند.

۲-۱. منع شکنجه

کنوانسیون می‌گوید هیچکس نباید شکنجه شده یا در معرض رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. (ماده ۳) در حقیقت کنوانسیون، دیگر به مفهوم سنتی

1. *Khamila Isayeva versus Russia*, ECHR, (15 November 2007), Para. 190.

2. Robert Kolb and Gloria Gaggioli, *Research Handbook on Human Rights and Humanitarian Law* (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2013) at 336.

شکنجه فکر نمی‌کند و یک گام جلوتر رفته و رفتار تحقیرآمیز را هم زیر مجموعه موضوع شکنجه دانسته است. اینکه فرد قربانی چه شرایطی داشته است و به چه اتهامی بازداشت شده است در نظر دیوان تغییری نمی‌دهد.

۱-۲-۱. شکایت المصری علیه جمهوری یوگسلاو مقدونیه سابق

یک فرد آلمانی با اصالت لبنانی در سال ۲۰۰۳ در حالی که با اتوبوس قصد ورود به مقدونیه را داشته است به علت شک به اصالت گذرنامه بازداشت می‌شود و مدت یک ماه در اتاقی در یک هتل زندانی می‌شود. پس از آنکه برای نشان دادن اعتراض به بازداشتش اعتصاب غذا می‌کند به زندانی در افغانستان منتقل و شکنجه می‌شود. پس از گذشت ۸ ماه در سال ۲۰۰۴ از طریق آلبانی به آلمان برگردانده می‌شود. در سال ۲۰۰۸ وی شکایت خود را در دادگاه اسکوپیه مطرح می‌کند ولی دادگاه از قبول رسیدگی به آن سرباز می‌زند. دیوان اعلام کرد که دولت جمهوری یوگسلاوی سابق مقدونیه در مقابل شکنجه و رفتار نامناسب چه در درون خاک خود و چه بعد از آن به علت مجازات مضاعف مسئول است. نحوه برخورد با وی در هتل که شامل نگهداری در شرایط مضطرب و بدون اطلاع در خصوص آینده می‌شد نقض حقوق بشر بوده و همه قضاوت متفقاً به آن اذعان دارند. همچنین برخورد ناشایست با او در زمان انتقال به افغانستان شامل شکنجه‌های جنسی و همچنین مفقود کردن او نقض مواد ۵، ۸، ۱۳ کنوانسیون می‌باشد. دیوان، دولت مقدونیه را به پرداخت ۶۰ هزار یورو به خواهان محکوم کرد.^۱ در این پرونده، مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از اتباع خارجی حتی زمانی که متهم شمرده می‌شوند موضوع قابل توجهی است، حتی انتقال افراد به کشور دیگر موجب رفع مسئولیت کشور مبدا نشده و موظف به پاسخگویی است.

۱-۲-۲. شکایت سلمونی علیه فرانسه

در این پرونده آقای سلمونی به جرم قاچاق مواد مخدر در هتلی در فرانسه در سال ۱۹۹۱ بازداشت و به مقر پلیس منتقل می‌شود. طی سه روز متوالی، پلیس با همکاری مقامات قضایی محلی سعی می‌کند از وی به شیوه‌های مختلف در خصوص قاچاق مواد مخدر

1. El-Masri Versus, "The Former Yugoslav Republic of Macedonia", ECHR, (13 December 2012), Para.273.

اعتراف بگیرد که این کار با ایجاد جراحت بر او همراه می‌شود. در تمامی این فرایندها فرد مورد بازجویی از خدمات پزشکی جهت اثبات لطمات وارد شده به جسمش استفاده می‌کند. در نهایت دادگاه او را به ۱۵ سال حبس و اخراج همیشگی از فرانسه محکوم می‌کند. وی در دوران گذراندن محکومیتش برای درمان لطمات وارده شده از خدمات درمانی استفاده می‌کند. در پی رسیدگی‌های قضایی درون فرانسه در نهایت دادگاه، افسران پلیس متهم به شکنجه را به علت کمبود شواهد از تجاوز و شکنجه تبرئه می‌کند ولی به علت رفتار تهدیدآمیز و استفاده از اسلحه در تهدید متهم، محکوم به حبس تعلیقی می‌کند. آقای سلمونی پرونده را در دیوان مطرح می‌کند. دیوان معتقد بود که خشونت بکار رفته علیه او چه به صورت جسمی و چه روحی، تالمات دردناکی را برای او بوجود آورده است. دیوان نقض مواد ۳ و ۶ کمیسیون را تأیید و فرانسه را به پرداخت ۵۰۰ هزار فرانک محکوم می‌کند.^۱

در این پرونده علی‌رغم اینکه فرد مورد نظر به درستی مجرم شناخته شده است و محکوم یک پرونده عمومی بوده است لکن در حوزه حقوق بشر توانسته علیه دولت فرانسه رای دیوان را اخذ کند. رجحان حقوق بشر و حقوق بنیادین بر ارزش‌های دموکراتیک از نقاط مهم این رای بوده است. قاضی *ترینیداد* هم با اشاره به این پرونده در کتاب خود به اهمیت رعایت کرامت انسانی حتی در موارد به خطر افتادن ارزش‌های دموکراتیک تأکید داشته است.^۲

۳-۲-۱. شکایت سورینگ علیه بریتانیا

در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۹ کمیسیون حقوق بشر اروپا تحت مواد ۴۴ و ۴۸ کنوانسیون، پرونده را به دیوان ارجاع داد.^۳ یک جوان آلمانی زمانی که در آمریکا تحصیل می‌کرده قصد ازدواج با دختری را داشته، لکن با مخالفت جدی والدین او مواجه می‌شود. پس از آن او با همدستی دختر، والدین او را به قتل رسانده و عازم بریتانیا می‌شوند. پس از مدتی که به جرم کلاهبرداری دستگیر می‌شود دادگاهی در آمریکا از بریتانیا می‌خواهد تا او را برای

1. *Selmouni versus France*, ECHR, (28 July 1999), Paras.24 & 133.

2. Antônio Augusto Cançado Trindade, *The Construction of a Humanized International Law: A Collection of Individual Opinions* (Tokyo: Hotei Publishing, 2014) at 356.

۳. این ارجاع پیش از تصویب پروتکل شماره ۱۱ و یک مرحله‌ای شدن رسیدگی‌ها بوده است.

مجازات بر اساس توافقنامه استرداد مجرمین به آمریکا بفرستند. بریتانیا از آمریکا می‌خواهد تعهد بدهد که مجرم را محکوم به اعدام نکرده و یا او را اعدام نکند که پس از کش و قوس‌هایی، این تضمین توسط سفارت آمریکا داده می‌شود. از سوی دیگر آلمان هم که موافقتنامه استرداد مجرمین را با بریتانیا امضا کرده بود، خواستار برگرداندن تبعه خود شد ولی آمریکا اعلام کرد از آنجایی که او درخواست استرداد را زودتر داده است، مجرم باید به آن کشور فرستاده شود. با شرایط بوجود آمده، فرد مجرم بشدت دچار آسیب روحی شده زیرا ترس از شکنجه و آزار و اذیت روحی و جسمی در زندان‌های آمریکا، موجب شد که حتی اقدام به خودکشی نافرجام کند، زیرا وی در بهترین حالت در بند زندانیان محکوم به اعدام در آمریکا نگهداری خواهد شد که فضای نامناسبی دارد. دادگاه در نهایت اعلام کرد در صورتی که بریتانیا فرد مذکور را به آمریکا بازگرداند، ماده ۳ کنوانسیون را نقض کرده است.^۱

در این پرونده نیز شکنجه‌ای اتفاق نیفتاده است بلکه مقرر گردیده بود که یک قاتل برای اجرای حکم به کشور محل وقوع جرم مسترد شود که نهایتاً این اتفاق نمی‌افتد. در این پرونده هم که سه حاکمیت سعی بر اعمال قدرت خود بر او و پرونده او داشته‌اند رعایت حقوق بنیادین بشر ورود می‌کند. دیوان با تسری مفهوم شکنجه به بدرفتاری یا قراردادن افراد در شرایط بد روحی، دامنه آن را وسعت بخشیده است و هیچ عاملی، چه قاچاق مواد مخدر و چه قتل نمی‌تواند موجب شود حقوق تعریف شده توسط کنوانسیون نادیده گرفته شود. دیوان در این پرونده معتقد بود که هدف از نگارش کنوانسیون، رسیدن به راه‌حل عملی و واقعی برای حفظ حقوق بشر است، همچنین عدم ذکر کردن یک موضوع در متن کنوانسیون نمی‌تواند مانع از رسیدگی و احقاق حق مردم شود.^۲ این اولین رای دیوان است که دستور جلوگیری از اعدام و هرگونه خشونت احتمالی را می‌دهد.

1. Soering Versus United Kingdom, ECHR, (7 July 1989), Paras.13-20 & 125.

2. Nils Coleman, *European Readmission Policy: Third Country Interests and Refugee Rights* (Leiden: BRILL, 2009) at 258.

۱-۳. منع بردگی و کار اجباری

بر اساس تعریف شورای اروپا، بردگی به موردی اشاره می‌شود که نسبت به فردی رفتاری یا وضعیتی اعمال شود که اینگونه برداشت شود که آن شخص اموال یا دارایی فرد دیگری است. در این موضوع هم سازکار اروپا تعریف وسیعی از بردگی داشته است. دولت‌ها به عنوان مسئولان اصلی حفاظت از حقوق بشر پس از اعطای روادید به اتباع خارجی موظف به اطمینان از حفظ حقوق بنیادین آن‌ها می‌شوند. همانطور که دیوان، روسیه را در پرونده‌ای ناقض کنوانسیون دانست.

۱-۳-۱. شکایت خانم رانتسلف علیه روسیه

این پرونده اولین پرونده رسیدگی به موضوع قاچاق انسان در دیوان بوده است. پدر یک دختر ۲۰ ساله اهل روسیه از دولت قبرس برای عدم بررسی دقیق موضوع قتل فرزندش، عدم مراقبت کافی از دخترش توسط پلیس این کشور و عدم برخورد مناسب با مسببان قتل وی تحت مواد ۲، ۳ و ۴ شکایت کرده است. همچنین وی از دولت روسیه تحت مواد ۲ و ۴ به علت عدم بررسی دقیق پرونده قاچاق فرزندش از روسیه و قتل او و همچنین عدم مراقبت از او در مقابل خطر قاچاق شدن شکایت کرده است. نهایتاً براساس ماده ۶ به دسترسی محدود به دادگاه‌های قبرس اعتراض کرده است. در سال ۲۰۰۱ خانم رانتسلف عازم قبرس شده و در آنجا در کاباره‌ای مشغول به کار می‌شود. ویزای کار وی نیز صادر شده و مدتی در آن مکان مشغول بکار بوده است. پس از گذشت دو هفته، اقامتگاه خود را ترک کرده و به همخانه خود می‌گردد که قصد دارد به روسیه بازگردد، ولی مبادی خروجی قبرس هیچوقت خروج او را ثبت نمی‌کنند، زیرا او در قبرس در کاباره دیگری مشغول به کار می‌شود. پلیس بنا به درخواست صاحب کاباره قبلی او را بازداشت می‌کند و به او می‌گوید که باید دختر را تا تکمیل شدن بازجویی‌ها نزد خود نگه دارد. بعد از چند روز جنازه دختر در زیر پنجره خانه صاحب کاباره پیدا می‌شود. در بررسی‌های آتی پس از شکایت پدر آن دختر، مشخص می‌شود که آسیب‌های فیزیکی روی بدن او قبل از مرگ اتفاق افتاده و احتمال مقاومت وی در مقابل ربوده شدن بسیار زیاد است. بعلاوه اینکه آمار قاچاق انسان در قبرس بسیار زیاد است و دولت قبرس در مقابل این آمار هیچ اقدام مثبتی انجام نداده است. مراجعات پدر وی به سیستم قضایی روسیه نیز به جایی نمی‌رسد. در نهایت دیوان،

دولت قبرس را برای عدم حفاظت از جان وی و همچنین عدم رسیدگی مناسب قضایی پس از قتل او تحت ماده ۲ مقصر می‌داند. دیوان همچنین دولت روسیه را از نقض ماده ۲ میرا دانسته و دولت قبرس را تحت ماده ۴ به علت عدم محافظت از وی در مقابل قاچاق شدن مقصر قلمداد می‌کند. همچنین روسیه از نقض ماده ۴ در مورد عدم محافظت میرا، ولی در مورد عدم رسیدگی صحیح قضایی مقصر شناخته می‌شود. همچنین دولت قبرس ناقض ماده ۵ نیز شناخته می‌شود. دولت قبرس به پرداخت مجموعاً ۴۲ هزار یورو و دولت روسیه به پرداخت ۲ هزار یورو به خواهان محکوم می‌شوند.^۱

در این پرونده نیز دولت‌ها به علت عدم حفاظت از اتباع سایر کشورها مقصر شناخته می‌شوند. یک کشور با دادن روایید اقامت نه تنها موظف به رعایت حقوق بنیادین اوست بلکه باید جلوی احتمال نقض آن را نیز مانند اتباع خود بگیرد. "دوپره" معتقد است در این پرونده دیوان از تبدیل شدن افراد به کالا و برخورد با آن‌ها با این تعریف مقابله کرده است.^۲ دیوان حتی در مواردی که افراد بطور غیرقانونی در کشوری زندگی کنند را هم دلیلی بر نقض حقوق بنیادین او نمی‌داند و دولت‌ها فارغ از این موضوعات باید حقوق او را تضمین کنند، فرانسه در این موضوع مورد مواخذه دیوان قرار گرفت.

۲-۳-۱. شکایت سیلیادین علیه فرانسه

موضوع این پرونده اینچنین است که یک دختر ۱۵ ساله اهل توگو با ویزای گردشگری وارد فرانسه می‌شود. از آنجایی که پولی نداشته است به خانواده‌ای معرفی می‌شود تا با کار کردن در خانه آن‌ها هزینه بلیط او تامین شده و همچنین مدرسه‌ای برای او توسط خانواده فرانسوی پیدا شود. اخذ ویزای تحصیلی هم دیگر قول خانواده فرانسوی به دختر توگویی بوده است. این خانواده فرانسوی برخورد نامناسبی با دختر داشته است و به هیچ یک از وعده‌های خود عمل نمی‌کند تا دختر از آن خانه فرار کرده و در خانه همسایه آن‌ها مخفی شود. آن همسایه به پلیس گزارش برده‌داری جدید در خانه همسایه را می‌دهد و پلیس به ماجرا ورود می‌کند. پس از مراجعه به دادگاه و بعد از آن دادگاه

1. Rantsev versus Cyprus and Russia, ECHR, (7 January 2010), Section V and Para.349.

2. Catherine Dupré, *The Age of Dignity: Human Rights and Constitutionalism in Europe* (London: Bloomsbury Publishing, 2016) at 36.

تجدیدنظر، نظام قضایی فرانسه موضوع را غیرقابل رسیدگی می‌داند زیرا وی به طور غیرقانونی در فرانسه اقامت داشته است و بر اساس قوانین کیفری فرانسه شامل تعریف «قربانی» نمی‌شود. دیوان در نهایت نقض ماده ۴ کنوانسیون را تشخیص داده، دختر توگویی را شامل مفهوم قربانی می‌داند و جریمه نقدی برای دولت فرانسه در حق خواهان تعیین می‌کند.^۱

در این پرونده نیز دیوان می‌گوید انسان هرگونه خطایی مرتکب شده باشد نباید از حقوق انسانی خود محروم شود و دولت‌ها چه در مرحله وضع قوانین و چه در مرحله اجرا نه تنها باید شنوای شکایات باشند بلکه باید خودشان موارد نقض را پیدا کرده و از کرامت انسانی در مرزهای خود حفاظت کنند. در حقیقت دیوان معتقد است که نبود چارچوب کیفری مناسب در زمان مورد نیاز برای حمایت از قربانی تقصیر دولت فرانسه است.^۲

۴-۱. حق آزادی و امنیت

بر اساس تعریف اروپایی، همه باید از حق آزادی برخوردار باشند؛ حتی در مواردی که ظن اقدام علیه امنیت ملی می‌رود تا زمانی که بر اساس قانون موضوعی اثبات نشده باشد، دیوان نقض این حق را نمی‌پذیرد.

۱-۴-۱. شکایت شواب و ام جی علیه آلمان

در طی برگزار نشست سران G8 در آلمان، نیروهای امنیتی این کشور حمله تروریستی توسط گروه‌های افراطی را محتمل دانستند و تخمین زدند که حدود ۱۰ درصد از حاضرین در اعتراضات، مستعد خشونت و آسیب زدن به اموال عمومی هستند. همچنین تعدادی از نیروهای پلیس در حاشیه این نشست زخمی شدند. این دو نفر که با خودروی خود در محل حاضر شده بودند مورد ظن پلیس قرار گرفته و همچنین در ارائه مدارک شناسایی خود مقاومت به خرج می‌دهند. پلیس در تفتیش خودروی آن‌ها بترهای «زندانیان را آزاد کنید» و «همه را آزاد کنید» پیدا و آنها را بازداشت کردند. دادگاه

1. Siliadin Versus France, ECHR, (26 July 2005), Para. 155.

2. Dominika Borg Jansson, *Modern Slavery: A Comparative Study of the Definition of Trafficking in Persons* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2014) at 56.

منطقه‌ای آنها را به مدت ۵ روز بازداشت برای جلوگیری از اقدام علیه امنیت محکوم می‌کند. اعتراض ایشان راه به جایی نمی‌برد. اعتراض ایشان به دادگاه تجدید نظر و نهایتاً دادگاه قانون اساسی هم نتیجه‌ای به نفع آنها نداشته است. نهایتاً ایشان پرونده را به دیوان ارجاع داده و دیوان، نقض مواد ۵ و ۱۱ را تشخیص می‌دهد و مجموعاً دولت آلمان را به پرداخت ۱۱ هزار یورو در حق خواهان‌ها محکوم می‌کند.^۱ در این پرونده نیز دیوان به صراحت عنوان می‌دارد حتی ظن انجام عمل برخلاف امنیت ملی نمی‌تواند دلیلی برای جلوگیری از مشارکت افراد در تجمعات و تظاهرات و بازداشت ایشان باشد.

۲-۴-۱. شکایت آسانیدزه علیه گرجستان

در پرونده‌ای شهردار باتومی و عضو شورای عالی منطقه آجاریان به جرم فساد مالی راهی زندان می‌شود. پس از طی مدتی در زندان مورد عفو رئیس جمهور قرار می‌گیرد ولی دادگاه عالی گرجستان این عفو را غیرقانونی دانسته و از اجرای آن سرباز می‌زند و اواخر دوران گذران حبس جرمی دیگر متوجه وی کرده و او را مورد محاکمه قرار می‌دهند، ولی او در مقابل آن جرم تبرئه می‌شود. دادگاه عالی گرجستان حکم به آزادی او می‌دهد ولی وی همچنان در بازداشت به سر می‌برد و آزادی او محقق نمی‌شود. دیوان، دولت گرجستان را مقصر این پرونده قلمداد کرده و از دولت مسئول می‌خواهند از آزادی خواهان در نزدیکترین زمان ممکن اطمینان حاصل کند و غرامتی معادل ۵ هزار یورو به متهم پرداخت نماید.^۲

این پرونده، اولین پرونده‌ای است که دیوان یک دولت را ملزم به آزاد کردن یک انسان کرده و در حقیقت آرای خود را به مرحله اجرا و دخالت در اعمال حاکمیت پیش برده است. البته در پرونده سورینگ هم، دولت بریتانیا را از استرداد مجرم منع کرده بود که البته آن عدم اجرای یک معاهده بین‌المللی را خواستار شده بود ولی این موضوع درون حاکمیت یک کشور است. در این پرونده دیوان نشان داد که در موارد نقض،

1. Schwabe and M.G. Versus Germany, ECHR, (1st December 2011), Para. 128.

2. Assanidzé versus Georgia, ECHR, (8 April 2004), Para. 208.

دولت‌ها را مجبور می‌کند قوانین عام یا حتی در صورت لزوم قوانین خاص را برای احقاق حق شکات و جلوگیری از وقوع مجدد اصلاح کنند.^۱

۵-۱. حق دادرسی منصفانه

ماده ۶ کنوانسیون اذعان می‌دارد که «هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. حق دفاع توسط یک حقوقدان برای آنها محفوظ است».

۱-۵-۱. شکایت سالدوز از ترکیه

در ۹ ژوئیه ۲۰۰۲ سالدوز توسط مأموران پلیس شاخه مبارزه با تروریسم اداره امنیت از میر دستگیر شد. وی فوراً به بیمارستان آموزشی تحقیقاتی آتاتورک برده شده و توسط یک پزشک مورد معاینه قرار گرفت. گزارش پزشکی اشعار داشته که در بدن وی هیچ آثاری از بدرفتاری و خشونت وجود نداشته است. وی در غیاب وکیل مورد بازجویی قرار گرفت. او در ادامه درخواست کرد وکیلی در از میر وکالت او را بپذیرد که مورد توجه قرار نگرفت و بدون حضور وکیل به جرم خود اقرار کرد. پس از اتمام بازجویی، قاضی تحقیق وی را تا زمان محاکمه تحت بازداشت قرار داد. پس از مدتی وکیل درخواستی برای او منصوب شد. در طول رسیدگی به پرونده، دفاع از شاکی بر عهده وکیل وی قرار گرفت. وی اظهارات خود نزد پلیس را با این ادعا که اظهارات فوق تحت فشار از وی گرفته شده، انکار کرد. پس از آن دادگاه در مراحل مختلف به پرونده او رسیدگی و استناد خود را به اظهارات متهم در زمان نبود وکیل استوار دانست و او را محکوم به تحمل حبس کرد. دیوان شکایت مطرح شده در خصوص عدم برخورداری شاکی از معاضدت حقوقی را قابل پذیرش دانسته و نقض ماده ۶ (حق دادرسی منصفانه) را تشخیص داد و تاکید کرد که دسترسی به وکیل باید از اولین مرحله بازجویی مضمون توسط پلیس وجود داشته باشد تا حق دسترسی به

1. André Nollkaemper, August Reinisch and Ralph Janik, Florentina Simlinger, *International Law in Domestic Courts: A Casebook* (Oxford: Oxford University Press, 2018) at 379.

دادرسی منصفانه به طور عملی و موثر اجرا شود. دیوان، ترکیه را محکوم به پرداخت مبلغ ۲۸۰۰ یورو جریمه در حق خواهان کرد.^۱

در این پرونده، دیوان معتقد است که دولت‌ها نه تنها باید اجازه بدهند که افراد از ابتدای آغاز فرایند بازجویی و کیل داشته باشند بلکه باید چنین شرایطی را تا حد الزام برای متهمین فراهم آورند. زیرا در این پرونده آن‌چنان که مشاهده می‌شود دولت ترکیه بعد از گذشت مدتی کوتاه و کیل مورد نظر متهم را وارد پرونده کرده است، لکن عدم حضور او منصفانه بودن محاکمه را زیر سوال برده است. «ولفروم» در کتاب خود، این پرونده را جزء ابتکارات دیوان در لزوم داشتن «وکیل در ساعت اول»^۲ می‌داند و البته تاثیر آن را بر قوانین داخلی کشورها بسیار زیاد می‌داند.^۳

۲-۵-۱. شکایت بوردوف از روسیه

یک فرد روس تبار پس از وقوع حادثه چرنوبیل به خدمت فراخوانده شد. اثرات مواد رادیواکتیو بر وی موجب بیماری او شد. از آنجایی که وی توان مالی لازم برای ادامه درمان و گذران زندگی خود را نداشت دادگاهی در روسیه مقرری ماهیانه‌ای برای او وضع کرد، ولی پس از مدتی سازمان دولتی مسئول پرداخت، این مبلغ را راساً کاهش داد. آرای بعدی دادگاه برای پرداخت مبلغ مشخص و پرداخت غرامت دوره‌های قبلی نیز به بهانه نبود بودجه کافی راه به جایی نبرد تا اینکه وی این پرونده را به دیوان ارجاع داد. دیوان، وی را مشمول تعریف "قربانی" ذیل ماده ۳۴ دانست و نقض ماده ۶ را از آن جهت که پس از رای صادر شده توسط دادگاه حکم اجرا نشده است و نقض ماده ۱ پروتکل شماره ۱ (حفاظت از اموال) را محرز دانست. دولت روسیه نیز به پرداخت ۳ هزار یورو در حق وی محکوم شد.^۴

آن‌طور که مشاهده می‌شود وقتی فاجعه‌ای بین‌المللی رخ می‌دهد و حتی اگر دولت‌ها سعی در جبران خسارت اتباع خود داشته ولی کمبود امکانات داخلی این اجازه را ندهد نمی‌توان از حقوق انسان‌ها گذشت و ضمناً پس از رای دادگاه‌ها این وظیفه دولت‌هاست

1. *Salduz versus Turkey*, ECHR, (27 November 2008), Para. 80.

2. First Hour Lawyer.

3. Rüdiger Wolfrum and Ina Gätzschnmann, *International Dispute Settlement: Room for Innovations?* (Berlin: Springer Science & Business Media, 2012) at 223.

4. *Burdov Versus Russia*, ECHR, (7 May 2002), Para. 48.

که از اجرای صحیح و بی کم و کاست آن مطمئن شوند و عدم اجرای آن در دادرسی منصفانه خلل ایجاد می‌کند. البته تعدادی از محققان، روسیه را کشور خلق موقعیت‌های حقوق بشری خاص و عاملی جهت ایجاد اصلاحات اجباری برای نظام حقوق بشری اروپا برای جلوگیری از سوء استفاده حکومت‌ها از اتباع خود می‌دانند.^۱

۶-۱. عطف بماسبق نشدن قوانین

ماده ۷ کنوانسیون می‌گوید: هیچکس نباید به دلیل انجام کاری یا ترک عملی که بر پایه قوانین ملی و بین‌المللی در زمان ارتکاب، جرم محسوب نمی‌شده به عنوان مجرم گناه کار شناخته شود. همچنین نمی‌توان مجازاتی را سنگین‌تر از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده برای آن تعیین کرد.

۱-۶-۱. گورگوچیانی علیه اسپانیا

فردی به جرم ارتکاب به سرقت بازداشت و به ۱۸ ماه حبس محکوم گردید. در ادامه مشخص شد که وی به طور غیرقانونی در اسپانیا اقامت دارد، پس دادگاه وی را مخیر کرد که بین ۶ سال حبس و اخراج از اسپانیا به مدت ۱۰ سال یکی را انتخاب کند که او حبس ۶ ساله را پذیرفت. در ادامه، دادگاه اسپانیا به علت تغییر قوانین پس از گذشت مدتی او را مجبور به ترک اسپانیا نمود. از نظر دیوان اروپا، تغییر رای او به اخراج از اسپانیا، سنگین‌تر کردن مجازات وی است و با قانونی که در زمان ارتکاب جرم وجود داشته است مغایرت دارد. بر همین اساس دیوان نقض ماده ۷ کنوانسیون را تشخیص و اسپانیا را محکوم به پرداخت ۵ هزار یورو در حق خواهان کرد.^۲

۲-۶-۱. شکایت استرلتز، کسلر و کرنز از آلمان

این پرونده مناقشه برانگیز در مورد افرادی بود که در زمان جدایی دو آلمان در شورای سیاستگذاری آلمان شرقی فعالیت می‌کردند. طی تصمیمات مقامات آلمان شرقی برای جلوگیری از فرار اتباع آلمان شرقی به آلمان غربی، مین‌های ضد نفر و سایر راهکارهای

1. Courtney Hillebrecht, *Domestic Politics and International Human Rights Tribunals: The Problem of Compliance* (Cambridge: Cambridge University Press, 2014) at 115.

2. Gurguchiani Versus Spain, ECHR, (15 December 2009), Para. 58.

نظامی اندیشیده شده بود که طی آمار رسمی حداقل نزدیک به ۳۰۰ نفر در راه فرار از آلمان شرقی جان خود را از دست دادند. پس از اتحاد دو آلمان، دادگاه این کشور تعدادی از اعضای این شورا را به جرم قتل عمد به تحمل حبس‌های طولانی مدت محکوم کرد. ارجاع این پرونده به دیوان هم راه به جایی نبرد و هیچ یک از استدلال‌های خواهان‌ها مورد قبول واقع نگردید و دیوان تشخیص داد که نقض مواد ۷ (عطف به ما سبق نشدن قوانین) و ۱۴ (ممانعت از تبعیض) رخ نداده است.^۱

این پرونده در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر دارای اهمیت بسیاری است، زیرا چند مورد مناقشه برانگیز را دیوان پذیرفته و اجرا کرده است. دیوان در این قضیه نظریه سلسله‌مراتب هنجاری را پذیرفته است. دیوان در این پرونده موضوع را صرفاً از دید حقوق بین‌الملل و به طور اخص بخش حمایت از حقوق بشر نگریسته است.^۲ همچنین دیوان در این پرونده امکان محاکمه اتباع توسط یک دولت جدید به دلیل نقض قوانینی که پیش از تشکیل آن دولت نه تنها جرم نبوده بلکه نص صریح قانون بوده است را نیز به رسمیت شناخته است.

۷-۱. حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی

ماده ۸ کنوانسیون اعلام می‌دارد که «هرکس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است. در اجرای این حق هیچ مداخله‌ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد، مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه مردم‌سالار به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند».

1. Streletz, Kessler and Krenz Versus Germany, ECHR, (22 March 2001), Section c.
2. Sonja C. Grover, *The European Court of Human Rights as a Pathway to Impunity for International Crimes* (Berlin: Springer Science & Business Media, 2010) at 217.

۱-۷-۱. شکایت اس و مارپر علیه بریتانیا

دولت بریتانیا چند جوان را به اتهام دزدی و درگیری بازداشت می‌کند، پس از طی مراحل قانونی از ایشان رفع اتهام می‌شود لکن بر طبق قوانین بریتانیا، اطلاعات DNA ایشان برای همیشه در سامانه پلیس این کشور باقی می‌ماند. درخواست ایشان برای پاک کردن این اطلاعات راه به جایی نمی‌برد. از آنجایی که نگهداری اطلاعات به عنوان قانون در بریتانیا درآمده بود، از دست سیستم قضایی این کشور کاری بر نمی‌آمد و پرونده به دیوان اروپا ارجاع شد. دیوان در ابتدا تعریف خود را از زندگی خصوصی تکمیل کرد و اطلاعات هویتی مانند نام، اثر انگشت و DNA را در میان آنها قرار داد و نهایتاً اعلام کرد که نگهداری نمونه DNA افرادی که دستگیر ولی بعداً تبرئه یا پرونده علیه ایشان مختومه شده است نقض ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی) است و دولت بریتانیا را به پرداخت مبلغ ۴۲ هزار یورو به هر یک از شکات محکوم کرد. دولت بریتانیا با تصویب قانونی سعی کرد نگهداری این اطلاعات را طی شرطهایی به صورت موقت دریاورد.^۱

این پرونده علاوه بر اهمیت قضایی در حفاظت از حقوق افراد، به تعریف یک موضوع تعریف نشده توسط دیوان اذعان می‌کند. دیوانی که رای نهایی و الزام‌آور دارد برای یک مفهوم، تعریف جدید ارائه کرده و آن را اجرایی می‌کند. همچنین از آنجایی که بریتانیا بزرگترین بانک اطلاعاتی دنیا را در این زمینه داشته و بعد از آن فرانسه مکان دوم را دارا است، تاثیر این رای بر این دو کشور اروپایی و کل ساختار بین‌المللی قابل انکار نیست.^۲

۱-۷-۲. شکایت خانم فدیوا علیه روسیه

در شکایتی دیگر یک خانم که منزلش در نزدیکی کارخانه فولاد مسکو بود ادعا کرد فعالیت‌های این کارخانه سلامت او را به خطر انداخته است. دیوان نقض ماده ۸ را شناسایی کرد و اعلام کرد که مقامات، نه به خواهان راه حل موثری برای خروج از منطقه خطر پیشنهاد کرده‌اند و نه اقدامات علیه استانداردهای ملی محیط زیست را متوقف

1. S. and Marper versus United Kingdom, ECHR, (4 December 2008), Para. 114.

2. Claudine Guerrier, *Security and Privacy in the Digital Era* (London: John Wiley & Sons, 2016) at 236.

کرده‌اند. این پرونده توسط یک زن روسی مطرح شد که حق خود را مبنی بر جابجایی خانه به دلیل آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه خصوصی فولاد که در نزدیکی منزل وی بود، مطالبه کرد. دیوان دریافت که دولت روسیه حقی را که ماده ۳ میثاق اروپایی حقوق بشر (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه افراد) به او داده نقض کرده است. چرا که دولت روسیه نتوانسته است به طور مناسب از آلودگی ناشی از کارخانه (شامل گردوغبار، دی اکسید کربن و...) جلوگیری کند یا وضع موجود را اصلاح کند و در اثر آلودگی ناشی از این کارخانه کیفیت زندگی این زن به طور چشمگیری تحت تأثیر قرار گرفته و آسیب‌پذیری او در مقابل بیماری بیشتر شده است. بنابراین به مدعی مبلغ ۶ هزار یورو خسارت پرداخت شد.^۱

ورود محیط زیست به حوزه حقوق بشر و الزام‌آوری آن علی‌رغم آنکه در عرصه بین‌المللی هنوز سند الزام‌آوری تصویب نشده است، نشان از متریقی بودن نظام حقوق بشر اروپا دارد. دیوان در این پرونده، حداقل لازم برای سلامت انسانی را تعریف کرده و بر مبنای آن تصمیم‌گیری کرده است. دیوان عنوان «سطح مشخص حداقلی» را بعنوان معیار خود برای پذیرش حداقل استاندارد زندگی مطلوب تعریف کرده است.^۲

۳-۷-۱. شکایت ایگلسیاس گیل و آیوآی علیه اسپانیا

موضوع در مورد کودکی است که شش ماه پس از طلاق پدر و مادرش به دنیا می‌آید. در یکی از ملاقات‌ها، پدر فرزندش را با خود به آمریکا می‌برد. مادر موضوع را به دادگاه منتقل کرده و اعلام آدم‌ربایی می‌کند. دادگاه حکم جستجوی ملی را برای یافتن کودک صادر می‌کند ولی متوجه می‌شود که آن‌ها به آمریکا رفته‌اند. سایر پیگیری‌های مادر به جایی نمی‌رسد و او پرونده را به دیوان می‌کشانند. دیوان تشخیص داد که مقامات اسپانیا نتوانسته‌اند تلاش کافی و موثر را برای حفاظت از حق مادر برای برگرداندن فرزندش و حق فرزند برای بازگشتن به مادرش را انجام بدهند. بنابراین حق احترام به زندگی خانوادگی آن‌ها موضوع ماده ۸ نقض شده است. این یکی از پرونده‌هایی است که دیوان

1. Fadeyeva Versus Russia, ECHR (9 June 2005), Para, 152.

2. Yasuhiro Shigeta, *International Judicial Control of Environmental Protection: Standard Setting, Compliance Control, and the Development of International Environmental Law by the International Judiciary* (South Holland: Kluwer Law International B.V., 2010) at 112.

به دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی رجوع می‌کند. در این پرونده دیوان به مواد ۳، ۷، ۱۲ و ۱۳ کنوانسیون لاهه^۱ که شامل اقداماتی است برای بازگرداندن سریع کودکانی که به طور نادرست منتقل شده یا در کشور طرف معاهده نگهداری می‌شوند، اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد که دادگاه اسپانیا باید با توسل به این معاهده با توجه به اینکه هر دو کشور عضو آن هستند، درخواست بازگرداندن کودک را ارسال می‌کرده است.^۲

این موضوع از دو جنبه دارای اهمیت است، اول آنکه وارد احوال شخصیه شده و حتی در مورد زندگی یک کودک با والدین نیز تصمیم‌گیری می‌کند، در حالی که این موارد می‌تواند در کشورهای مختلف متفاوت باشد و دوم اینکه به اسناد بین‌المللی دیگر برای مقصر قلمداد کردن یک دولت اشاره می‌کند و ظرفیت خود را در بررسی موضوعات حقوق بشری به تمام ادبیات حقوق بشری گسترش می‌دهد.

۸-۱. آزادی مذهب

هر کس از آزادی نظر، عقیده و مذهب برخوردار است؛ این حق آزادی تغییر مذهب یا اعتقادات شخصی وی چه به تنهایی یا به صورت دسته‌جمعی همراه با دیگران، در حضور دیگران یا به صورت خصوصی و آزادی اجرای شعائر دینی یا عقیدتی به صورت‌های پرستش، آموزش، انجام و نظارت بر آن‌ها را شامل می‌شود.

۸-۱-۱. شکایت بیاتیان علیه ارمنستان

یک جوان ارمنستانی وقتی به سن سربازی اجباری می‌رسد، توسط مقامات برای گذراندن خدمت احضار می‌شود ولی او طی نامه‌ای اعلام می‌دارد که بر اساس تعالیم مذهبش نمی‌تواند به خدمات نظامی بپردازد ولی حاضر است در زمینه‌های اجتماعی فعالیت نماید. اما مقامات ارمنستان می‌گویند که بر اساس قانون ارمنستان هیچ استثنایی بین افراد نیست و جایگزینی هم برای سربازی وجود ندارد. با استتکاف وی، او بازداشت و به زندان می‌افتد. او حتی پس از اینکه ارمنستان به شورای اروپا ملحق شد و خدمات اجتماعی را به عنوان جایگزین سربازی معرفی کرد و همه کسانی را که به خدمت سربازی نرفته بودند از مجازات زندان معاف کرد در زندان به سر می‌برد. دیوان نهایتاً

1. Hague Convention on the Civil Aspects of International Child Abduction.

2. Iglesias Gil and A.U.I. versus. Spain, ECHR, (29 April 2003), Para. 74.

ضمن تایید نقض ماده ۹ توسط دولت ارمنستان مبلغ ۲۰ هزار یورو در حق خواهان برای دولت جریمه وضع می‌کند.^۱

در این پرونده به وضوح به تفکرات و تعالیم دینی افراد، حتی در مقابل امنیت ملی یک کشور و یا قوانین نظامی آن، رجحان داده شده است.

۹-۱. آزادی بیان

ماده ۱۰ کنوانسیون می‌گوید: «هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد».

۱-۹-۱. شکایت روزنامه سانندی تایمز علیه بریتانیا

در نتیجه مصرف دارویی خاص وارداتی از آلمان توسط مادران باردار، فرزندان آنها با ناهنجاری‌های شدیدی به دنیا آمدند. در طی مراحل قانونی، شرکت وارد کننده با پرداخت مبالغی رضایت والدین را اخذ کرد که در این راه دولت بریتانیا نیز به حل آن کمک کرد. روزنامه سانندی تایمز در مقاله‌ای عنوان کرد که دولت بریتانیا در حال فیصله دادن موضوعی مهم با پول است و در مقاله بعدی ابعادی از این واقعه تلخ را روشنگری خواهد کرد. در اینجا بود که دولت بریتانیا با این منطق که پرداختن بیش از حد به این موضوع می‌تواند در فرایند رسیدگی و صدور رای دادگاه خلل ایجاد کند، از طریق دادگاهی در این کشور حکم عدم انتشار مقاله در این خصوص را صادر کرد. پرونده به دیوان ارجاع شد و دیوان با رای متزلزل، ۱۱ رای در مقابل ۹ رای، نقض ماده ۱۰ را تشخیص داد. دیوان معتقد است که نه تنها آزادی بیان حق رسانه است بلکه مردم نیز حق دانستن دارند.^۲ این اولین پرونده درباره آزادی بیان و اطلاعات در خصوص رسانه‌ها است.

1. Bayatyan Versus Armenia, ECHR, (7 July 2011), Para. 136.

2. Sunday Times versus United Kingdom, ECHR, (No. 1) (26 April 1979), Para. 78.

۱-۱۰. ممنوعیت تبعیض

بر اساس ماده ۱۴ کنوانسیون، برخورداری از حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون حاضر باید بدون تبعیض از هر حیث از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی و سایر عقاید، اصلیت ملی یا اجتماعی، عضویت در گروه‌های اقلیت ملی، دارایی‌ها، تولد یا سایر وضعیت‌ها تضمین شود.

۱-۱۰-۱. شکایت سجدیک و فینچی علیه بوسنی و هرزگوین

پرونده به نامعتبر بودن ثبت نام یهودیان و رومانیایی‌ها در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بوسنی به این علت که جزء سه گروه پذیرفته شده نژادی در قانون اساسی بوسنی (صرب‌ها، بوسنیایی‌ها و کروات‌ها) نیستند مربوط می‌شود. دیوان نقض مواد ۱۴ (منع تبعیض) و همچنین ماده ۳ از پروتکل ۱ (حق انتخابات آزاد) را تشخیص داد. در این پرونده دو تن از اقلیت‌های تبعه بوسنی در حالی که می‌خواستند وارد فعالیت‌های انتخاباتی شوند متوجه شدند که بر اساس قانون این کشور امکان حضور در عرصه سیاسی برایشان مقدور نیست و پرونده را به دیوان ارجاع دادند. دیوان، دولت بوسنی را ناقض کنوانسیون دانست. در ادامه، مجلس این کشور فرایند اصلاح ساختار سیاسی را آغاز کرد و همچنین برخی کشورهای اروپایی برای نیل به این هدف به این کشور فشار آوردند.^۱ این مورد اولین پرونده‌ای بود که دیوان در مورد تبعیض در حوزه سیاسی وارد شد.^۲

۱-۱۰-۲. شکایت چاکیر علیه بلژیک

در یک نزاع خانودگی، یک فرد ترک‌تبار توسط نیروهای پلیس دستگیر می‌شود. پلیس با خشونت با او برخورد کرده و صدماتی به او وارد می‌کند. خواهان معتقد است که برخورد بد پلیس به علت تفاوت نژادی او با بلژیکی‌های دیگر است زیرا در موارد مشابه، پلیس هرگز چنین برخورد خشنی با مجرمان نداشته است. دیوان بر اساس گزارش‌های

1. Sejdíć and Finci versus Bosnia and Herzegovina, ECHR, (22 December 2009), Para. 67.

2. Marko Milanovic, "Sejdíc and Finci v. Bosnia and Herzegovina", American Journal of International Law, Vol. 104, (2010), at 18, available at: [https:// doi. org/ 10.5305/amerjintlaw.104.4.0636](https://doi.org/10.5305/amerjintlaw.104.4.0636).

پزشکی واصله و این واقعیت که دولت بلژیک تحقیقات کافی را در مورد این پرونده انجام نداده است، نقض ماده ۳ (ممنوعیت رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز) به دلیل رفتار نامناسب پلیس با خواهان و ماده ۱۴ (ممنوعیت تبعیض) را به علت عدم انجام اقدامات کافی برای فهمیدن این واقعیت که آیا پلیس رفتار تبعیض‌آمیز داشته است یا نه را تشخیص داده است.^۱

در حقیقت دیوان عدم انجام تحقیقات کافی توسط دولت را دلیلی برای عدم رسیدگی قرار نداده است و این ضعف دولت منجر شده است به فرض این قضیه که رفتار تبعیض‌آمیز علیه خواهان انجام شده است. دولت‌ها طبق مسئولیتی که در قبال شهروندان نشان دارند نمی‌توانند کم‌کاری خود را مانعی بر احقاق حق افراد قرار دهند. چه بسا در صورت انجام تحقیقات کافی این واقعیت مشخص می‌شد که هیچ تبعیضی صورت نگرفته است.

۲. آمارها و تحلیل‌ها

از زمان تشکیل سازکار قضایی حقوق بشری اروپا تا پایان سال ۲۰۱۸ بیش از ۲۱ هزار پرونده به مرحله رسیدگی وارد شده است.

۲-۱. صلاحیت دیوان

دیوان دارای صلاحیت‌های موسعی در حوزه کاری خود است، اولاً اینکه بر اساس ماده ۳۴؛ افراد، سمن‌ها یا گروهی از افراد می‌توانند پرونده‌ای را به دیوان ارجاع دهند. دولت‌ها می‌توانند موارد نقض حقوق بشر سایر اعضا را به دیوان ارجاع دهند. یعنی در حقیقت همه، از دولت‌ها گرفته تا تک‌تک افراد امکان طرح شکایت نزد دیوان را دارند. این وسعت دامنه دریافت شکایت‌ها یکی از ویژگی‌های مثبت و البته مشکل‌آفرین دیوان است.

صلاحیت قضایی دیوان به تمامی موارد مربوط به تفسیر و اعمال کنوانسیون و پروتکل‌های مربوطه تسری می‌یابد. در صورت بروز اختلاف در مورد صلاحیت قضایی دیوان، خود دیوان مرجع تصمیم‌گیری خواهد بود. بر این اساس دیوان در امور مصرح در

1. Cakir versus Belgium, ECHR, (10 March 2009), Para. 94.

کنوانسیون اجازه رسیدگی داشته و خارج از اصول تعریف شده آن اجازه رسیدگی ندارد. البته دیوان در پرونده‌هایی به کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر که کشورهای اتحادیه عضو آن هستند اشاره کرده است. در حقیقت علاوه بر متن کنوانسیون، اسناد بین‌المللی دیگر هم که دولت موضوع پرونده طرف آن است می‌تواند توسط دیوان مورد استناد قرار گیرد.

نکته مهم مطرح شده در ماده ۳۵ تاکید بر صلاحیت تکمیلی دیوان بوده و اعلام می‌دارد که «دیوان تنها در صورتی که کلیه تلاش‌ها جهت دادخواهی در سطح ملی به نتیجه نرسیده باشد، می‌تواند ... به مسئله رسیدگی کند» که این بند تاکید می‌کند بر وجود مسئولیت اولیه دولت‌ها در حفاظت از حقوق بشر است.

۲-۲. مرجع ناظر بر اجرای آرای دیوان

در ماده ۴۶ کنوانسیون آمده: «آرای صادره توسط دیوان نهایی و لازم الاجرا است و حکم نهایی صادره توسط دیوان باید به کمیته وزیران ابلاغ شود و کمیته مزبور وظیفه دارد بر حسن اجرای آن نظارت داشته باشد». از سوی دیگر این کمیته بر اساس اختیارات خود می‌تواند کشوری را به عضویت درآورده یا عضویت دولتی را به حالت تعلیق درآورد و یا حتی خاتمه دهد. با این اوصاف فرایند الزام‌سازی آرای صادره به خوبی در قاره اروپا طی شده است و یک دولت در صورت تخلف از آرای دیوان حتی می‌تواند تا مرز اخراج از این نهاد منطقه‌ای پیش رفته و از همه امتیازات آن محروم شود.

۲-۳. فرایندهای رسیدگی

با توجه به آمار بالای پرونده‌های وارده به دیوان، زمان رسیدگی به آنها مدت زمانی طولانی را می‌طلبد که آماده‌سازی و انضمام پروتکل‌های متعدد که یکی از اهدافشان تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشد در این میان قابل توجه است. شاید بتوان گفت اصلی‌ترین دلیل تشکیل دیوان برای رسیدگی قضایی به شکایت‌ها تسریع در رسیدگی به درخواست‌های مردمی بوده است. پروتکل ۱۱ که زیربنای تشکیل دیوان را پایه‌ریزی کرده، با این هدف به تصویب اعضا رسیده است. پروتکل شماره ۱۵ نیز به طور مشخص سعی کرده فرایند رسیدگی را به زمان مشخصی (۴ ماه) محدود تا از اطاله دادرسی جلوگیری کند. در مورد سهولت فرایندها و حفظ محرمانگی نیز شرایط مشخص و قابل

حصولی برای مراجعه کنندگان بر طبق ماده ۳۵ قرار داده است. در حقیقت با تعریف دامنه درخواست‌های غیرقابل قبول، سایر درخواست‌ها را قابل قبول دانسته است.

۲-۴. به روزآوری و اصلاح

با توجه به تغییرات روزافزون و سریع نیازها و موضوعات مورد بحث حقوق بین‌الملل و جامعه جهانی، وجود ساختار چابک جهت بهبود فرایندها و رویه‌ها از نکات مثبت ساختارهای حقوقی است. مجموعه حقوق بشر اروپا با واگذاری مسئولانه موضوع به کمیته وزرا و فعالیت‌های این نهاد تاکنون ۱۶ پروتکل (فارغ از تصویب یا عدم تصویب آنها) با قصد بهبود شرایط در فواصل زمانی کوتاه آماده کرده که این خود نمونه چابکی این مجموعه است. از نظر نگارندگان، بررسی نیازها و تلاش دائم برای بهبود فرایندها، نکته مثبت سازکار قضایی حقوق بشری اروپا است.

۲-۵. گزارش‌گیری از دولت‌ها و اصلاح قوانین داخلی

نکته مهم در آرای دیوان، مواردی است که یک دولت عضو را ملزم به جلوگیری از تکرار یک نقض با تغییر قوانین یا اصلاح آنها می‌کند. به عنوان مثال در پرونده سجدیک و فینچی؛ دیوان، دولت بوسنی را ملزم به تغییر قوانین داخلی برای برگزاری انتخابات کرد و اینکه با توجه به نهایی و الزام‌آور بودن حکم دیوان، امکان هیچگونه مفری برای دولت‌ها جهت تخطی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سازکار قضایی حقوق بشر اروپا از دریچه پرونده‌های مهم و موضوعات مورد بحث در کنار آمارها و ویژگی‌ها مورد بررسی قرار گرفت. ویژگی‌های ساختار حقوق بشری اروپا را می‌توان بر محوریت حقوق بشر دانست تا حاکمیت، زیرا در پرونده‌هایی دیوان حقوق بنیادین بشر را بر ارزش‌های دموکراتیک نیز دارای ارجحیت دانسته است، حاکمیت را به جای سوالگر به موجودیت‌هایی پاسخگو تبدیل کرده است و در هر حالتی حتی ارتکاب به جرم‌های سنگین مانند قاچاق مواد مخدر از کرامت انسانی بشدت دفاع کرده است. در حقیقت دیوان معتقد است بشر، صرف بشر بودن، فارغ از هر اتفاق یا ویژگی دیگر دارای حقوق بنیادینی است که قابل نقض نیست.

ساختار ساده، فراگیر و سریع دیوان در کنار ضمانت اجرای قوی و اصلاحات متعدد برای مناسب‌سازی سازوکارها از ویژگی‌های کلیدی نظام قضایی حقوق بشری اروپا است. شاید بتوان گفت تنها مفر برای حفظ حاکمیت در بین کشورهای اتحادیه اروپا، عدم الحاق به این سازکار منطقه‌ای است که در آن شرایط، دولت موصوف باید با انزوا، فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی و محرومیت از امکانات عضویت در اتحادیه کنار بیاید. البته باید این نکته را متذکر شد که دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق بشر اروپا ضرورتاً عضو اتحادیه اروپا نیستند ولی برای عضو بودن در اتحادیه یکی از پیش‌شرطها پذیرش عضویت در کنوانسیون است. در حقیقت فشار نرم قدرتمندی بر تمام کشورهای قاره اروپا جهت قرار گرفتن در بین اعضا وجود دارد. حاکمیت‌های اروپایی مجبورند با دست خود به تحدید حاکمیت خود رای دهند. اروپا با ایجاد یک ساختار منطقه‌ای فراگیر همه حاکمیت‌ها را درون چتر خود گرفته و یک ابردولت خلق کرده است. با این اوصاف می‌توان پرسش این مقاله را که تمرکز سازکار قضایی منطقه‌ای در قاره اروپا بیشتر بر حاکمیت است تا حقوق بشر؟، به این شرح پاسخ داد که «سازکار قضایی منطقه‌ای در قاره اروپا، به عنوان پیشرو در عرصه نهادهای قضایی منطقه‌ای حقوق بشر، بر حقوق بشر تاکید بیشتری دارد».

References

Books

- Cançado Trindade, Antônio Augusto, *The Construction of a Humanized International Law: A Collection of Individual Opinions* (Tokyo: Hotei Publishing, 2014).
- Coleman, Nils, *European Readmission Policy: Third Country Interests and Refugee Rights* (Leiden: BRILL, 2009).
- Dupré, Catherine, *The Age of Dignity: Human Rights and Constitutionalism in Europe* (London: Bloomsbury Publishing, 2016).
- Grover, Sonja C., *The European Court of Human Rights as a Pathway to Impunity for International Crimes* (Berlin: Springer Science & Business Media, 2010).

- Guerrier, Claudine, *Security and Privacy in the Digital Era* (London: John Wiley & Sons, 2016).
- Hillebrecht, Courtney, *Domestic Politics and International Human Rights Tribunals: The Problem of Compliance* (Cambridge: Cambridge University Press, 2014).
- Jansson, Dominika Borg, *Modern Slavery: A Comparative Study of the Definition of Trafficking in Persons* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2014).
- Kolb, Robert and Gloria Gaggioli, *Research Handbook on Human Rights and Humanitarian Law* (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2013).
- Bertrand, Mathieu, *The Right to Life in European Constitutional and International Case-law* (Strasbourg: Council of Europe, 2006).
- Nollkaemper, André & August Reinisch, Ralph Janik, Florentina Simlinger, *International Law in Domestic Courts: A Casebook* (Oxford: Oxford University Press, 2018).
- Shigeta, Yasuhiro, *International Judicial Control of Environmental Protection: Standard Setting, Compliance Control, and the Development of International Environmental Law by the International Judiciary* (South Holland: Kluwer Law International B.V., 2010).
- Tatu, Daniela Simona, *Violence against Women: With an overview of the European Court of Human Rights' Case-law* (Milan: Key Editore, 2019).
- Wolfrum, Rüdiger and Ina Gätzschmann, *International Dispute Settlement: Room for Innovations?* (Berlin: Springer Science & Business Media, 2012).

Articles

- Milanovic, Marko. "Sejdic and Finci v. Bosnia and Herzegovina", *American Journal of International Law*, Vol. 104, (2010), available at: <https://doi.org/10.5305/amerjintelaw.104.4.0636>.

- Peters, Anne, “Humanity as the A and Ω of Sovereignty”, European Journal of International Law, Vol. 20, (2009), available at: [http:// www.ejil.org/pdfs/20/3/1852.pdf](http://www.ejil.org/pdfs/20/3/1852.pdf).
- Schiemann, Konrad, “Europe and the Loss of Sovereignty”, The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 56, (2007), available at: [https:// doi. org/ 10. 1093/ iclq/ lei179](https://doi.org/10.1093/iclq/lei179).
- Wachira, George Mukundi, “Sovereignty and the United States of Africa: Insights from the EU” ISS, Vol. 1, (2007), Available at: [https:// journals. co. za/ content/ ispaper/ 2007/ 144/EJC48803](https://journals.co.za/content/ispaper/2007/144/EJC48803).
- Zick, Timothy, “Are the States Sovereign?”, Washington University Law Quarterly, Vol. 83, (2005), Available at: [https:// scholarship. law. wm.edu/facpubs/275](https://scholarship.law.wm.edu/facpubs/275).

Cases

- Assanidzé versus Georgia, ECHR, (8 April 2004).
- Bayatyan versus Armenia, ECHR, (7 July 2011).
- Burdov versus Russia, ECHR, (7 May 2002).
- Cakir versus Belgium, ECHR, (10 March 2009).
- El-Masri versus “the former Yugoslav Republic of Macedonia”, ECHR, (13 December 2012).
- Fadeyeva versus Russia, ECHR, (9 June 2005).
- Gurguchiani versus Spain, ECHR, (15 December 2009).
- Iglesias Gil and A.U.I. versus. Spain, ECHR, (29 April 2003).
- Khamila Isayeva versus Russia, ECHR, (15 November 2007).
- Opuz versus Turkey, ECHR, (9 June 2009).
- Rantsev versus Cyprus and Russia, ECHR, (7 January 2010).

- S. and Marper versus United Kingdom, ECHR, (4 December 2008).
- Salduz versus Turkey, ECHR, (27 November 2008).
- Schwabe and M.G. versus Germany, ECHR, (1st December 2011).
- Sejdić and Finci versus Bosnia and Herzegovina, ECHR, (22 December 2009).
- Selmouni versus France, ECHR, (28 July 1999).
- Siliadin versus France, ECHR, (26 July 2005).
- Soering versus United Kingdom, ECHR, (7 July 1989).
- Streletz, Kessler and Krenz versus Germany, ECHR, (22 March 2001).
- Sunday Times versus United Kingdom, ECHR, (no. 1) (26 April 1979).

استناد به این مقاله: موسوی، سید فضل الله، اورعی، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، سازکار قضایی حقوق بشر در اروپا،

تفوق با حاکمیت یا حقوق بشر، پژوهش حقوق عمومی، ۲۳(۷۲)، ۳۷-۹

doi: 10.22054/qjpl.2021.54375.2468